

ترجمهٔ سست

و ناهنجار

«ارشاد القلوب»

ترجمه
ارشاد القلوب دیلمی

نظارت: ابی‌الحسن دیلمی

ترجم: سید عباس بادبانی

دفتر نشرات اسلامیه

حسن فخر الشریعه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ارشاد القلوب و مؤلف آن

عالم جلیل القدر حسن بن ابی الحسن محمد دیلمی،^۱ یکی از بزرگان علمای شیعی است که در اواخر قرن هشتم می‌زیسته و در علوم مختلف اسلامی نظیر فقه،

۱ - دیلمی منسوب است به «دَیلم»؛ نام کوه و یا قریه‌ای بین قزوین و گیلان، و جمع آن بر خلاف قیاس «دیالمه» است. جمع عدیدی از علما و دانشمندان و فقیهان و محدثان مسلمان از این خطه برخاسته‌اند. از جمله علامه محقق سلار بن عبدالعزیز، صاحب کتاب «المراسم» در فقه؛ عالم مفسر شیخ سدید الدین دیلمی مشهور به «قهرمان»؛ حسن بن محمد دیلمی قزوینی صاحب «مقتل» از شاگردان علامه مجلسی و ...

تفسیر، کلام، حدیث، شعر و ادب، عرفان، تاریخ، اخلاق و... مهارت داشته است. وی از دست پروردگان بزرگانی همچون شهید اول و فخر المحققین است و عالم عارف و زاهد، ابن فهد حلی، از شاگردان میرزا اوست.^۲

دیلمی آثار گرانسنگی از خود باقی گذاشته است از جمله: اعلام الدین فی صفات المؤمنین که به تازگی چاپ شده، غرر الأخبار، و درر الآثار، التفسیر الکبیر که اخبار ائمه اطهار علیهم السلام در تفسیر آیات قرآن کریم را در آن آورده و همانند دیگر آثارش، بسیار سودمند و ذی‌قیمت است. مشهورترین اثر دیلمی «ارشاد القلوب»^۳ است، ارشاد القلوب شامل کثیری از احادیث قدسیه و روایات مأثوره از پیامبر اکرم و اهل بیت او - صلوات الله علیهم - و کلمات دانشمندان صالح و پرهیزکار است که در مقام پند و اندرز و راهنمایی بشر القاء نموده‌اند. محدثین بزرگ و دانشمندان در مقام نقل، غالباً به این کتاب استناد و اعتماد کرده‌اند. نظر به مقام شامخی که این کتاب شریف در تنویر افکار و ارشاد قلوب دارد برخی از عالمان در تعریف آن چکامه‌ها و یا ابیاتی به سلك نظم کشیده‌اند، از جمله آنها دو بیت شعری است که به عالم محقق، شارح صحیفه کریمه سجادیه، سید علی خان حسینی مدنی نسبت می‌دهند:

اِذَا ضَلَّتْ قُلُوبٌ عَنْ هُدَاهَا فَلَمْ تَكِرَّ الْعُقَابُ مِنَ الثَّوَابِ
فَلرَّشِدَهَا جَزَاكَ اللهُ خَيْرًا بِارْشَادِ الْقُلُوبِ إِلَى الصَّوَابِ^۴

نام کامل کتاب، «ارشاد القلوب إلى الصواب المنجی من عمل به من أليم العقاب» است که در دو جزء تدوین شده، جزء اول در مواعظ و جزء دوم در مناقب است.^۵

۲ - برای اطلاع از شرح حال او رک: ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۳۸؛ اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۲۵۰ - ۲۵۱؛ امل الآمل، ج ۲، ص ۷۷ و ۲۱۱؛ روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۹۱؛ الحقائق الراهنة فی المائة الثامنة (از طبقات اعلام الشیعه)، ج ۵، ص ۳۸؛ هدیة العارفين، ج ۵، ص ۲۸۷؛ ایضاح المکنون، ج ۳، ص ۶۲؛ ریحانة الادب، ج ۲، ص ۲۴۸.

۳ - ذریعه، ج ۱، ص ۵۱۷، گفتنی است شیخ شرف الدین یحیی البحرانی، شاگرد محقق کرکی این کتاب را تلخیص کرده است. (رک: ذریعه، ج ۱، ص ۵۱۸؛ ج ۲، ص ۴۱۹).

۴ - با استفاده از مقدمه حضرت آیت الله مرعشی نجفی (قده) بر ترجمه ارشاد القلوب مترجمی. ۵ - در انتساب جزء دوم به دیلمی تردید است. (رک: مقدمه مذکور)

ارشادالقلوب چاپهای متعددی دارد از جمله:

- ۱- با قطع جیبی، سنگی، به تصحیح و مقابله و خط محمد قراباغی، ۱۳۱۰ق، ۲۵۷ صفحه، مصحح در ترغیب به مطالعه این کتاب نوشته است:
«یا اخوانی لا تنظروا إلی صغر حجم هذا الكتاب المستطاب و لعمری انه یلیق أن یکتب بالتبر علی الاحراق لا بالحبر علی الاوراق.»
- ۲- با قطع جیبی، با تصحیح و مقابله با نسخ خطی: سید ابراهیم مرتضوی میانجی، ۲۸۶ صفحه، ۱۳۷۴ق، مرکز نشر کتاب، تهران.
- ۳- با قطع جیبی، به همت شیخ محمد علی محمدی شرایبانی و تعلیقات محمد مجاهدی تبریزی، ۱۳۷۵ق، ۳۴۰ صفحه.

ترجمه‌های فارسی ارشادالقلوب

- بر حسب اطلاع نگارنده سه ترجمه فارسی تاکنون از این کتاب چاپ شده است:
- *أ- ترجمه سید هدایت الله مسترحمی، ۲ جلد، تهران، مصطفوی، ۱۳۳۸ش، رقعی، ۱۷۶+۴۲۹ص.
 - *ب- ترجمه سید عبدالحسین رضائی، به تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران، ۱۳۵۵، کتابفروشی اسلامیة، ج ۱ (قسمت اول: معارف و اخلاقیات) ۴۸۰ صفحه، رقعی؛ ج ۲ (قسمت دوم: فضائل امیرالمؤمنین و غزوات) ۴۴۴ صفحه، رقعی.
 - *ج- ترجمه‌ای که اخیراً دفتر انتشارات اسلامی به چاپ رسانیده و هدف این مقاله نقد آن است.
- پیش از پرداختن به ترجمه اخیر، لازم می‌نماید سخنی در باره اهمیت ترجمه و رسالت خطیر آن آورده شود تا کسی در لزوم نقد چنین ترجمه‌هایی تردید به دل راه ندهد.

استاد محمدرضا حکیمی در این باره می‌نویسد:

«...این گونه ترجمه‌های وحشتناک آثار مذهبی، به زبان فارسی در این ایام، بیش از حد مایه تأسف است. باز هم باید بگویم که مقدار عمده‌ای از گناه این کار

۶- برای تفصیل، رک: ادبیات و تعهد در اسلام، محمد رضا حکیمی، تهران، ۱۳۵۸، ص ۵۹-۷۳.

به گردن ناشران است که بی هیچ ملاکی این گونه گردانیده‌ها را به صورتهای گوناگون با متن عربی و بدون متن، در حاشیه و پاورقی یا... به چاپ می‌رسانند و به وسیله این ترجمه‌های پایین و گاه غلط و خنک و پرت، رونق کلام پیشوایان دین را بر باد می‌دهند، و هویت کلام عظیم را مسخ می‌کنند همین گونه است در مورد برخی از تألیفات و کتابهای علمای دین که اصل کتاب از نظر نثر و قدرت تعبیر در سطحی بالا جای دارد، اما ترجمه‌ها نه، بجز غلطها و بد فهمیها و اشتباهات.

...می‌دانیم که کلمات و روایات منقول از پیامبر اکرم و ائمه طاهرين در متن اصلی - قطع نظر از اعتقاد دینی - از بلیغ‌ترین و شیواترین و استوارترین نوع آثار باقیمانده به زبان عربی است. با این وصف کافی است به برخی از ترجمه‌هایی که از این آثار یا آثار علمای بزرگ دینی شده است و می‌شود نگاه کنید تا ببینید کار در چه سطح است و از چه قرار! و بجز چاپ بد - یا چاپهای کاسبانه و بدون رعایت حقوق شرعی - چه ترجمه‌های غیر فارسی و دور از اصول زبان و خارج از هنجار عرضه می‌شود و در بیشتر موارد، مفهوم و مقصود اصلی تباه می‌گردد، و شکوه و حشمت نثر مؤلف بر باد فنا می‌رود.

آقایانی که به این کار دست می‌زنند می‌پندارند همین که فارسی، زبان مادریشان بود بس است، در صورتی که چنین نیست این مترجمان اگر فاضل هم باشند، هنگامی که بخواهند به ترجمه این آثار بپردازند باید بروند و فارسی را بیاموزند و اگر می‌خواهند به اصطلاح پس از اشتغال یقینی، برائت یقینی حاصل کنند و یقین کنند که پس از اینکه ترجمه‌ای را متعهد شده‌اند از عهده برآمده‌اند و مقصود پیامبر و امام را به مسلمان فارسی زبان رسانده‌اند، واجب است در مقدمات تحصیل «برائت» و انجام تکلیف بکوشند، ناشران نیز نباید این ترجمه‌ها را بی رعایت اصول لازم و عرضه بر اهل خبره نشر کنند. خود این آقایان نیز نباید وقتی واجد شرایط نیستند، این وظیفه را بپذیرند. واجد شرایط بودنشان را هم باید مطلعان و استادان فن ترجمه - و به اصطلاح اهل خبره - تصدیق کنند، نه خودشان یا ناشران.^۷

.....
۷ - شیخ آقا بزرگ، ص ۲۸۵ - ۲۸۷.

بررسی ترجمه «ج»

در اولین صفحه کتاب (مقدمه ناشر) آمده است: «این دفتر برای استفاده بهتر و بیشتر ترجمه، آن را... بعد از بررسی و ویراستاری و اعرابگذاری و... در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد...»

اما حقیقت این است که این کتاب نه بررسی شده است و نه ویراستاری و نه اعراب گذاری و نه آنچه ناشر محترم با او و سه نقطه به آن اشاره کرده است! و اما دلیل ما: بررسی نشده است به این دلیل که ارشادالقلوب حداقل دو بار قبل از این، ترجمه شده و گرچه هیچ کدام شرایط و ویژگیهای يك ترجمه خوب و عالی را ندارند ولی از این ترجمه اخیر به مراتب بهترند و با وجود آن دو ترجمه، هیچ نیازی به چاپ ترجمه اخیر نبود و ثمره این چاپ جز عرضه يك وجود زیبا در لباسی ناموزون و اسراف، چیز دیگری نیست و ناشر محترم در صورت تتبع می‌توانست یکی از دو ترجمه قبلی را با بازنگری و بازنگاری و ویرایش دقیق عرضه کند.

اعراب گذاری

از ناشر محترم و یا مترجم باید پرسید کجای متن را اعراب گذاری کرده است؟ آیات قرآن را؟ پاسخ این سؤال را باید خواننده با مراجعه به کتاب دریافت کند تا خلاف این ادعا آفتاب‌بسی شود. متن بی‌اعراب است و تنها آیات قرآن اعراب گذاری شده است.

ویرایش

اشکال عمده این ترجمه در ویرایش آن است که اگر پیش از چاپ، ویراستاری خبره آن را ویرایش صوری و محتوایی می‌کرد به این صورت نشر نمی‌یافت و اینک نمونه‌ها، اعم از ایرادهای کلی و ویرایشی:

۱ - عنوان این کتاب چنین می‌نماید که ترجمه کامل ارشادالقلوب است، در حالی که تنها ۱۹ باب آغاز کتاب از ۵۴ باب ارشادالقلوب در این چاپ ترجمه شده است، بنابراین عنوان کتاب، خالی از واقعیت است؛ چرا که این

کتاب ترجمه بخشی از ارشاد است نه همه آن و حال آنکه ترجمه‌های «أ» و «ب» از این جهت ترجمه‌های کاملی هستند.

۲- در عصر حاضر در فن ترجمه به جز آیات و روایات که خود موضوعیت دارند تقطیع متن عربی و گنجاندن آن در گردانیده فارسی آن هم با ترجمه تحت اللفظی و به اصطلاح «کان یکون» و «بدرستی که» و «آنچنانی که» و «این است و جز این نیست» و «شأن چنین است» جز خسته کردن خوانندگان و بیزاری آنان، اثر دیگری ندارد، مضافاً بر اینکه نه برای خواننده فارسی‌زبان مفید است و نه برای آشنای به زبان عربی. متأسفانه در این ترجمه به این مهم پرداخته نشده است و برخلاف آیین ترجمه و ویرایش مطالبی که باید در پانوشت بیاید در متن افزوده شده است، برای نمونه این صفحات را ملاحظه فرمایید: ص ۸، ۳۱، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۵۳، ۵۶، ۶۰، ۶۷، ۶۹، ۷۹، ۸۵، ۱۱۹، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۶، ۱۷۷ و ۳۱۶.

نمونه‌هایی از این ترجمه

۱- «و به خدا قسم اگر برای شوق به حق تعالی یا برای ترس از او دل‌های شما گداخته شود یا از چشم‌هایتان خون جاری گردد و به این حال در دنیا زندگی کنید مادامی که باقی است این اعمال و منتهی درجه کوشش شما برابری با نعمتهای بزرگ خداوند که به شما عطا فرموده نمی‌نماید و مساوی راهنمایی نمودن او شما را به سوی ایمان نمی‌گردد.» (ص ۱۴۲).

جملات فوق نه مبتدایش به وضوح معلوم است و نه خبرش و معلوم نیست مترجم در صدد بیان چه مطلبی است.

۲- «سؤال می‌شود عمر و زندگی... سؤال می‌شود ایام جوانی... سؤال می‌شود مال... سؤال می‌شود... سؤال می‌شود...» (ص ۵۷) اینها همه ترجمه کلمه «یستل» است که تنها یک بار در روایت آمده است.

۳- «برای کسی که از عظمت خدای خود ترسید دو باغستان در بهشت برای او هست و این است و جز این نیست...» (ص ۳۸).

۴- «هرآینه ذره و خردل و بعوضه را صرف نظر و اهمال می‌فرمود» (ص ۸۶ در ترجمه: لَأَهْمَلُ الذَّرَّةَ وَالْخَرْدَلَةَ وَالْبَعُوضَةَ).

- ۵- «گاهی که شخص از این عالم رحلت کند کارهای او که در این دنیا انجام می‌داده همه قطع و بریده می‌شود...» (ص ۵۱)، در ترجمه: إذا مات الرَّجُل انقطع عمله...).
- ۶- «و صبح می‌کند در لحد و در زیر زمین در تنگنا قرار می‌گیرد... و صبح کرد در حالی که دشمنانش خوشحال می‌باشند...» (ص ۱۱۵).
- ۷- «پس به درستی که شأن چنین است...» (ص ۷۳ - ۷۴).
- ۸- «پس گوش دادن، پس حفظ کردن، پس عمل کردن، پس رساندن...» (ص ۵۸).
- «پس آگاه باشید که من در قبر تنها افتاده‌ام پس دین و دنیای خود را از روی جهالت فاسد کردم پس کسی در...» (ص ۱۱۷). (پس خدای سبحان می‌فرماید: پس گفتم...» (ص ۱۲۷).
- ۹- «این است و جز این نیست که دنیا به منزله پلّی است...» (ص ۷۸).
- ۱۰- «این است و جز این نیست که خدای متعال جلّت عظمته تقسیم فرمود در دنیا مدت‌های کوتاه و کارهای محفوظ و ضبط شده و مرگ ناگهان می‌رسد.» (ص ۸۸).
- ۱۱- «به تحقیق مرگ سبب...» (ص ۱۰۲) «به تحقیق که... و جز این نیست که... و به تحقیق که...» (ص ۱۰۳).
- ۱۲- «پس به درستی که دنیا پشت کرده است... و آخرت رو کرده است و می‌آید و مشرف است...» (ص ۱۳۶).
- ۱۳- «...مغرور نکند شما را طول فراموشی از پروردگارتان مهلت زیادی که خدا به شما مرحمت فرماید و نیکو حکم کردن، پس به تحقیق... به درستی که...» (ص ۱۵۱).
- ۱۴- «بهرتر از حسنه‌ای که بعد از گناه کهنه و قدیم انجام شود ندیدم، به درستی که...» (ص ۱۸۵).
- ۱۵- «... بر سرکشی و طغیان و بازی شب می‌کنند و صبح می‌کنند در حالی که...» (ص ۱۵۴).

۱۶ - «هر صاحب حملی حملش را می‌گذارد... و شیاطین می‌پزند...» (ص ۲۱۶).

۱۷ - «گاهی جوان مرد در حال عافیت وارد شب شده...» (ص ۱۱۲).

۱۸ - «من در عجبم از قومی که صبح می‌کنند در حالی که... و بدنهای خود را چاق و گنده می‌نمایند و دین خود را ضعیف و لاغر...» (ص ۲۶۰ - ۲۶۱).

سرتاسر کتاب پر است از این گونه تعبیرات و آوردن نمونه‌های بیشتر موجب تطویل می‌گردد، اما دو نمونه زیر را هم ملاحظه فرمایید:

۱۹ - حضرت حجاج بن یوسف!!!

این یکی از عبارات تعجب انگیز این ترجمه است که یکی از روسیاهترین چهره‌های تاریخ را این گونه یاد کرده است.

۲۰ - در ورودی!

مترجم این تعبیر را در ترجمه «إنا معك إلی باب الملك» آورده است: «من با تو هستم تا آن در ورودی...» (صفحه ۱۴۸).

اغلاط چاپی

اغلاط چاپی و شبه چاپی کتاب هم فراوان است از جمله صفحات: ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۳۶، ۳۷، ۴۲، ۵۰، ۶۴، ۷۴، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۱، ۱۱۱، ۱۳۵، ۱۳۸، ۲۳۶.

اشتباه در ترجمه

۱ - در ترجمه «و أعمالهم امرٌ من الصبر» آورده است: «و اعمال آنها تلخ تر از صبر است» (ص ۵۵).

در اینجا یا مترجم «صبر» را به معنای استقامت (صبر) پنداشته و یا چون معنای آن را نمی‌دانسته عین کلمه (صبر) را در ترجمه آورده و در هر دو صورت اشکال به او وارد است. «صبر» در اینجا به معنای شیره تلخ درختی است (رك: المعجم الوجیز، ص ۳۵۹). نمونه‌های دیگری نیز، از این دست ترجمه‌ها در سرتاسر کتاب به چشم می‌خورد مثلاً: «حملة العرش» را «حملة عرش» (ص ۲۲۰) و...

۲ - «خردل» را «خشخاش» معنی کرده (ص ۳۰)، ولی باید توجه داشت که خردل و خشخاش نام دو نوع گیاه است (رك: فرهنگ معین، ذیل هر دو واژه).

ترجمه آیات

از آنجا که ارشادالقلوب مشحون از آیات و روایات است متأسفانه نادرستی ترجمه و نارسایی معنایی در ترجمه آیات نیز به چشم می‌خورد و ای کاش مترجم محترم به جای اینکه زحمت این ترجمه غیر فنی و نادرست را بر خود هموار سازد، در ترجمه آیات از قرآنه‌های ترجمه شده بهره می‌برد و زحمت ما نمی‌داشت و اینک شواهدی چند در این باب همراه با ترجمه قرآن کریم به قلم عبدالمحمد آیتی:

۱ - یَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا * وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا^۱

«روزی که آسمان موج می‌زند موج زدن و کوهها به راه می‌افتد به راه افتادنی» (ص ۱۴).

آیتی: روزی که آسمان سخت بچرخد، و کوهها به شتاب زوان شوند.

۲ - اِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ * يُنْبِئُ الْاِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاٰخِرًا^۱

قرارگاه و مرجع در این روز به سوی خداست و انسان در آن روز به کارها و اعمالی که پیش از مرگ فرستاده و آنچه از خود باقی گذاشته آگاهی داده می‌شود. (ص ۱۵ - ۱۶).

ملاحظه می‌فرمایید که «يك بام و دو هوا» شده «یومئذ» هم به معنای «در این روز» و هم «در آن روز» ترجمه شده است.

آیتی: قرارگاه همه در این روز نزد پروردگار توست. در این روز آدمی را از هر چه پیشاپیش فرستاده و بعد از خویش گذاشته است خیر می‌دهند.

۳ - وَ يَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَ تَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَ حَشَرْنَا هُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا * وَ عَرِضُوا عَلَيَّ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَن لَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا^{۱۰}

۸ - سوره طور (۵۲): ۹ - ۱۰. ۹ - سوره قیامت (۷۵): ۱۲ - ۱۳. ۱۰ - سوره كهف (۱۸): ۴۷ - ۴۸.

و تَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَ مَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَانَكُمْ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَ ضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ. ۱۱

«روزی که کوهها را متلاشی و پراکنده می‌کنیم و زمین را مشاهده می‌کنی در حالی که ظاهر است، (یعنی هیچ پست و بلندی درخت و گیاهی نیست که با سایه خود آن را بپوشاند) و خلق را محسور می‌کنیم و یکی از آنها را وانگذاریم و در مقام حکومت عدل الهی عرضه شوند و حضور پیدا کنند در حالی که به صفوف مرتب ایستاده باشند به آنها گفته شود به تحقیق به سوی ما آمدید چنانچه در اول بار شما را خلق نمودیم و بر خلاف آنچه شما تصور می‌کردید که برای شما وعده‌گاهی قرار نداده‌ایم و آنچه را که در دنیا در اختیار شما قرار دادیم و ما به سبب آنها به شما تفضل نمودیم.

و گذاشتید و نمی‌بینم با شما شفیعان شما را که گمان می‌کردید آنها با ما در شما شرکت دارند به تحقیق میان شما و آنها جدایی افتاد و پنهان‌شده‌اند شما آنچه را گمان می‌کردید» (ص ۲۸ - ۲۹).

آیتی: روزی که کوهها را به راه می‌اندازیم و زمین را بینی که هر چه در اندرون دارد بیرون افکنده است و همه را برای حساب گرد می‌آوریم و یک تن از ایشان را هم رها نمی‌کنیم. همه در یک صف به پروردگارت عرضه می‌شوند. اکنون نزد ما آمدید همچنان که نخستین بار شما را بیافریدیم. آیا می‌پنداشتید که هرگز برایتان وعده‌گاهی قرار نخواهیم داد؟

... هر چه را که ارزانی‌تان داشته بودیم پشت سر نهاده‌اید و هیچ یک از شفیعاتان را که می‌پنداشتید با شما شریکند همراهان نمی‌بینیم. از هم بریده شده‌اید و پندار خود را گمگشته یافته‌اید.

۴ - فَلَا تَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ. ۱۱

«آنها به واسطه اعمال صالح برای خود آسایشگاه تهیه می‌کنند.» (ص ۳۰۰).

۱۱ - سوره انعام (۶): ۹۴.

۱۲ - سوره روم (۳۰): ۴۴.

آیتی: آنها که کاری شایسته کرده باشند برای خود پاداشی نیکو آماده کرده‌اند.

۵ - إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ.^{۱۳}

«به تحقیق خدای متعال آنچه به او شرك آورده شود و مشرك به حال شرك بمیرد آن را نمی‌آمرزد و از این پایین‌تر را برای هر کس که بخواهد می‌آمرزد.» (ص ۳۴).

آیتی: هر آینه خدا گناه کسانی را که به او شرك آورند نمی‌آمرزد، و گناهان دیگر را برای هر که بخواهد می‌آمرزد.

۶ - إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ.^{۱۴}

«به درستی که ما قرار دادیم ابراهیم و ذریه او را خالص برای خود يك نوع خالص بودن که با هیچ چیز مخلوط نیست.» (ص ۴۲).

بد نیست در اینجا توضیح مترجم - که در متن به دنبال ترجمه آیه آمده - را بخوانید و شاهد سستی ویراستاری این متن باشید.

«...مخلوط نیست. و آن عبارت است از یادآوری آنها خانه آخرت را در هر حال و آنها هر عملی و هر عبادتی انجام می‌دادند نظرشان جوار خداوند متعال بود و فائز شدن به لقای حق و تعبیر دار، و خانه برای این است که خانه حقیقی خانه آخرت است و دنیا محل عبور است. و باز دلالت دارد بر صدق گفتار رسول الله - صلی الله علیه و آله - اوتیت جوامع الکلم، این فرمایش حضرت [از اینجا ترجمه است] بهره‌یز از چیزی که بعد بخواهی از آن عذر خواهی کنی. این جمله جمیع آداب معاشرت و برخورد با نوع و هر گونه صحبت و عمل را فرا می‌گیرد، که اگر انسان همین را در نظر داشته باشد که نحوی رفتار کند که نخواهد از کسی عذر خواهی کند چه مقدار دامنه این مطلب وسیع است.» (ص ۴۲).

آیتی: آنان را خصلت پاکدلی بخشیدیم تا یاد قیامت کنند.

۷ - إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا...^{۱۵}

۱۵ - سوره مریم (۱۹): ۵۴.

۱۴ - سوره ص (۳۸): ۴۶.

۱۳ - سوره نساء (۴): ۴۸.

«او صادق الوعد بود و رسول و نبی بود...» (ص ۴۷).

آیتی: او درست قول و فرستاده‌ای پیامبر بود.

اشتباهات کاربردی

۱ - «چنانچه» در جای جای کتاب به جای «چنانکه» و به غلط استعمال شده است^{۱۶} برای نمونه: رك:ص ۳۱، ۲۸، ۱۳، ۳۷، ۵۶، ۸۶، ۱۰۱، ۱۲۱، ۱۴۰، ۱۸۰، ۱۹۰، ۱۹۸، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۶۸ و ...

۲ - «او»^{۱۷} به جای «آن» برای نمونه دو مورد ذکر می‌شود:

صفحه ۸۶: «...در روز حساب واقع می‌شوند که در او جای عمل نیست.»

صفحه ۱۳۶: «آگاه باشید شما در روزهای عمل هستید که دنبال او تمام

شدن فرصت است.»

۳ - امانت^{۱۸} به جای «عاریت» نمونه: صفحه ۹۷ (و ما فی ایدیهم عاریة = و

از آنچه از لوازم دنیا در دست آنهاست امانت است.)

متراذفات بیهوده

برانگیزاند و مبعوث فرماید. فراموش کرده‌اند و از یاد برده‌اند (ص ۳۱) ن و جهت (ص ۴۱) دار، و خانه (ص ۴۲) هدیه و پیشکش، عطا و بخشش (ص ۴۶) غنا و داشتن ثروت و مال (ص ۷۸) ترس و بیم (ص ۸۵) نازل می‌شوند و فرود می‌آیند (ص ۱۲۱) اعمال و کارها (ص ۱۷۷) دستوری و فرمانی (ص ۲۷۱) عود و بازگشت (ص ۲۸۸).

در همین جا داستان این ترجمه را به پایان می‌برم. کوتاه سخن اینکه هر

۱۶ - این دو ترکیب را نباید به جای هم به کار برد «چنانکه» حرف ربط مرکب، دلالت بر تشبیه و تمثیل می‌کند و مرادف است با «به طوری که» و «همانطور که»: «تنیس جزیره‌ای است... و از خشکی دور است، چنانکه از بامهای شهر ساحل را نتوان دید» (سفرنامه ناصر خسرو، ۴۶) اما «چنانچه» کلمه تأکید است و معمولاً پس از کلمه «اگر» و برای تقویت معنای آن به کار می‌رود: اگر چنانچه یعنی «اگر چنین باشد که»: «اگر چنانچه موافقت کند همراه او خواهم رفت» (غلط نویسیم، ص ۹۷).

۱ - کاربرد «او» در ذوی العقول است بنابراین در جملات مذکور نباید «او» استعمال کرد.

۱۸ - فرق امانت و عاریه را در «کتاب الودیعة» و «کتاب العاریة» شرح لمعه ملاحظه فرمایید.

خواننده منصفی با تصفح و اندک تأملی در می‌یابد که این ترجمه با کلام اصل و متین و متعالی دینی هرگز متناسب نیست و کمترین رونقی و جذبه و شور و کششی ندارد و هیچ يك از اصول فن در آن رعایت نشده است، ترجمه‌ای که به هیچ گونه منعکس کننده حشمت و استواری و اعتلا و رسالت متن نیست و به یقین صاحب سخن، از این گونه ترجمه ناخشنود و روح او از این کار در رنج است.^{۱۹}

در پایان، محض نمونه چند سطر از ترجمه خوب «وقعة صفین» به نام پیکار صفین و «الایام»^{۲۰} موسوم به «آن روزها» به ترتیب کار پرویز اتابکی و حسین خدیوچم را می‌آوریم تا در مقام مقایسه، معلوم شود تفاوت ره از کجاست تا به کجا؟

أ - از پیکار صفین

خطبه حسین بن علی

«سپس حسین بن علی به خطبه برخاست و چنان که سزد، خدا را سپاس و ستایش کرد و آنگاه گفت: ای مردم کوفه، شما دوستدار مردم بزرگوار [و] شعار بدون دثار هستید (شما مردمی يك رویه‌اید) بکوشید آنچه را دثار شماست زنده کنید (و همدل و همزبان شوید) و راه دشوار را بر خود هموار سازید و آنچه را مایه پراکندگی شماست به موجبات پیوستگی تبدیل کنید. هلا، برآستی که جنگ را شری است شتابکار و طعمی ناگوار و جرعه‌هایی تلخ و گزنده، پس هر کس که برای آن بسیج ساخت و برای تهیه ساز و برگش به آماده باش پرداخت و به هنگام فرارسیدنش از زخمهای جان شکار آن نرنجید و نه‌راسید، جنگ را برده است و هر که پیش از رسیدن لحظه مناسب و بدون کوشش بصیرانه آن را پیش اندازد سزایش آن است که قومش را زیانمند و خود را نابود کند. از خدا مسئلت داریم که به یاری خود، شما را بر همبستگی خویش نیرو بخشد. سپس (از منبر) به زیر آمد.»^{۲۱}

۱۹ - اقتباس از ادبیات و تمهد در اسلام، ص ۷۲.

۲۰ - مقصود از معرفی این کتاب صرفاً شیوایی و رسایی ترجمه آن است.

۲۱ - پیکار صفین از نصر بن مزاحم منقری، به تصحیح و شرح عبدالسلام محمد هارون، مترجم: پرویز اتابکی، تهران، ۱۳۶۶، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ص ۱۶۱.

ب - از «آن روزها»

«دوست جوان ما چهار سال از عمر خود را در الازهر سپری کرده بود، آن چهار سال در نظرش چهل سال می‌نمود، زیرا ازهر جهت به سان شبی تیره و دیر پای بر او گذشته بود، شبی که ابرهایی سیاه و سنگین در آن متراکم شده و برای روشنی از هیچ سویش روزنه‌ای باقی نمانده بود. جوان از لحاظ تهیدستی خویش احساس دلتنگی نمی‌کرد، و از اینکه دستش از آنچه می‌خواست کوتاه بود دلگیر نمی‌شد، زیرا تهیدستی با قیاس به درآمد طلاب علم در الازهر شریف مطلبی عادی بود. جوان متوجه می‌شد که در اطرافش ده‌ها و صدها طلبه زندگی می‌کنند که همانند او، رنج می‌برند، و هر روز با مشکلاتی نظیر مشکلات او رو برو می‌شوند، و به ساده‌ترین چیزهای دوست داشتنی دسترسی ندارند، آنان به این موضوع تن در داده بودند، جان و دلشان با آن انس گرفته، و به خویشتن قبولانیده بودند که توانگری و بی‌نیازی و آسایش زندگی از عواملی هستند که انسان را از دانش اندوزی باز می‌دارند. باور کرده بودند که برای تحمل دشواری و زحمت و رنج تحصیل، تهیدستی شرط اساسی است، زیرا که اگر جان و دل آدمی از دانش غنی شود، به از آن است که دست و کیسه‌اش از مال دنیا پر بوده باشد.»^{۲۲}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



.....
۲۲ - آن روزها، دکتر طه حسین، ترجمه حسین خدیو جم، چاپ چهارم: تهران، سروش، ۱۳۶۳، ص ۲۲۹.